

تا که خواب آید یا خطا بعلت متابعت از مناعت
ایمن باشیم شرخلاف رای سلطان رای بستن
نجان خویش باشد دست شستن و اگر خود ز را گوید
شب است این به باید گفت اینک ماه و پروین
حکایت شنیدای کیوان باقی که من علوم و با فایده
حجاز شهر در آمد و نمود که از حج می آید و قصیده های کوشش
ملک برد و دعوی کرد که وی گفته است نقش داد
و اگر ام کرد و نوازشش بپکران نمود یکی از نامهای حضرت
پادشاه که در آستان از سفر دریا آمده بود و گفت من او را
عید اضحی در بصره دیدم چگونه حاجی شد حالیا معلوم
شد که حاجی بنیت دیگری گفت من او را می شناسم

پایانی

پدش نضانی بود در خطبه السنه که سید بنیت و شعرش را
در دیوان انوری یافتند ملک فرمود تا او را فرود
تا چندین دروغ نگوید گفت ای خداوند روی زمین
سخنی مانده است تا در خدمت بگویم اگر راست باشد
بهر عقوبت که خواهی سزاوارم گفت آن چیست
قطعه غریب کرت ماست پیش آورد و دو میانه است
یک کفچه دوغ که اگر از بنده لغوی شنیدی میخ
همانند بسیار گوید دروغ بلکه اخذ کرده گفت
ازین راست تر ما سزاوار بوده مکلفه است بفرمود
تا آنچه مامول اوست مهیا دارند و بد بخوبی او را روانه کردند
حاکمیت یکی از پسران مروان الرشید پیش پد آمد